

درباره طرح راه‌آهن شرق به غرب ایران در دوره قاجار چه می‌دانید؟

مهر تأیید علما بر طرح ۱۴۳ سال قبل راه‌آهن مشهد – تهران

مرضیه ترابی

داستان ساخته شدن راه‌آهن در ایران، یک داستان پرتشویش است. شاید خیلی‌ها گمان کنند که این قصه و چگونگی باز شدن پای راه‌آهن به ایران، مربوط به دوره پهلوی اول است؛ اما حقیقت ماجرا این نیست. ایرانیان از مدت‌ها قبل از به قدرت رسیدن رضاشاه، سودای ساخت راه‌آهن و رسیدن به این وسیله حمل‌ونقل ارزان و سریع را داشتند. اما دریغ! دریغ که در کشمکش میان دو قدرت استعماری روس و انگلیس، گوشت قربانی منافع ملت ایران بود. هر یک از این دو دولت استعماری، به دنبال راهی برای محدود کردن نفوذ دیگری و توسعه نفوذ خودش در ایران می‌گشت. ناصرالدین‌شاه که خواهان ساخت راه‌آهن بود، از سر ناچاری و برای فرار کردن از دست سیاست‌های رنگارنگ دو دولت استعماری، دست به دامن آلمان و صدراعظم مشهورش، بیسمارک شد. به او نامه نوشت و تلویحاً گفت که از دست‌روس و انگلیس ذله شده‌است و دوست دارد ساخت راه‌آهن در ایران را به آلمانی‌ها بسپارد؛ اما مگر کار به همین راحتی بود؟! مگر شاه قاجار برای انجام چنین اقداماتی از خود اختیار داشت. روس‌ها وقتی متوجه اقدامات ایران شدند، تاجدار قاجار را وادار به امضای قراردادی کردند که مطابق سیاست «انحصار طبیعی فقدان راه»، ایران را از هرگونه امکانات حمل و نقل مدرن و به ویژه راه‌آهن به مدت پانزده سال محروم می‌کرد. با این حال، تکیاو برای ساخت راه‌آهن در ایران، متوقف نشد؛ روس‌ها و بعد انگلیسی‌ها برای راه افتادن کار خودشان هم که شده، دست به احداث راه‌آهن زدند. در نزدیکی تهران، «بواتال، بلژیکی، نخستین خطر راه‌آهن را از تهران به ری کشید که به قول یکی از مورخان معاصر، اساسا سبب‌بازای شاه‌قاجار بود و در سال ۱۲۳۷ خورشیدی، با تشریفات خاصی افتتاح شد، تا مدت‌ها دوام آورد و به «ماشین دودی، معروف بود. مدتی بعد، راه‌آهن محمودآباد در ساحل دریای خز تا شهر آمل، توسط حاجی محمدحسین‌امین‌الضرب ساخته شد که کلا ضرر می‌داد و پس از چند سال فعالیت، از کار افتاد و متروک‌ه شد. از آن طرف، انگلیسی‌ها در جنوب، خط راه‌آهن «در خزینه، به «مسجدسلیمان» و «مسجد سلیمان» به «چشمه‌علی» را ساختند که کار خودشان راه بیفتد و روس‌ها هم، طبق قرارداد ۱۹۱۳ میلادی راه‌آهن جلفا به تبریز و خط صوفیان، شرفخانه و ساحل دریاچه ارومیه را ساختند که در جریان جنگ جهانی اول، توسط عثمانی‌ها غارت شد و از بین رفت و بعد‌ها، شوروی تنمه تاسیسات آن را به دولت ایران واگذار کرد. این مصیبت‌نامه کافی است تا هر کسی، مطالعه درباره تاریخچه راه‌آهن در دوره قاجار را متوقف کند و یک‌راست برود سراغ دوره رضاشاه که راه‌آهن سراسری شمال به جنوب را با آن همه مخالفت‌های امثال مصدق السلطنه (دکتر مصدق بعدی) ساخت. اعتراض مصدق به نحوه کشیدن راه‌آهن بود؛ او راه‌آهن رضاشاه را صرفا یک مسیر نظامی می‌دانست و نه تجاری و رفاهی و به همین دلیل معتقد بود که پهلوی اول، دارد پول ملت را به باد می‌دهد. راه‌آهن رضاشاه قرار بود شمال را به جنوب وصل کند، اما از هیچ کدام از شهرهای بزرگ مانند اصفهان و شیراز نمی‌گذشت.

- طرح بر زمین مانده دوره قاجار

مطالعه تاریخ راه‌آهن در دوره قاجار، با انهدام ریل‌های این وسیله مهم و راهبردی حمل‌ونقل در آذربایجان، طی جنگ جهانی اول، متوقف‌نمی‌شود. وطن‌دوستان این دوره، سخت به تأسیس راه‌آهن دلبسته بودند و برخلاف تصور خیلی‌ها، اصلاً منفعلانه عمل نکردند. نخستین طرح خط راه‌آهن تهران به مشهد، در همین دوره و به وسیله یک ایرانی ارائه شد، یعنی پایه و اساس راه‌آهن شرق به غرب ایران را در همان دوره در هم ریخته ناصری گذاشتند و نه نیم قرن بعد. یوسف خان مستشار الدوله در سال ۱۲۹۶ قمری(۱۲۵۸ خورشیدی)، یک سال بعد از سرشماری مشهور ناصرالدین‌شاه در مشهد و نگارش کتابچه «نفوس ارض اقدس» توسط زین‌العابدین میرزای قاجار که جمعیت مشهد را قریب ۵۲ هزار نفر نشان می‌داد، طرح خود را با عنوان «لایحه راه‌آهن طهران – مشهد» به ناصرالدین‌شاه ارائه کرد. مستشارالدوله این طرح را در زمان مأموریتش به خراسان نوشت و باید گفت که طرح او، یکی از بهترین طرح‌ها در نوع خود بود. ظاهراً نگارش این طرح، به دلبستگی شاه قاجار نسبت به راه‌آهن باز می‌گردد. طبق سند مربوط به این طرح که در «نشریه بانک سپه» (شماره ۱۰ و ۱۱، سال ۱۳۴۳) منتشر شده است، ناصرالدین‌شاه بعد از سفر زیارتی به مشهد، تصمیم گرفته‌بود برای وضعیت بحرانی راه این شهر به پایتخت، فکری ببیندیشد. به همین دلیل، دستور داد آمار زوار را به طور دقیق محاسبه کنند تا بشود بر اساس آن، طرح دقیقی ریخت. مستشارالدوله، ضمن طرح خود می‌نوشت: «چاکران جان‌نثار که در بیست‌ویک شهر ذی‌القدره ۱۲۹۷ هجری قمری از مشهد مقدس حسب‌الاحضار عزیمت دربار سپهرمدار همایون نموده، هر شب و روز به هر جماعت و گروهی که از زوار دچار می‌شد (برخورد می‌کرد)، شماره آن‌ها را ضبط می‌کرد،



یوسف‌خان
مستشارالدوله
سیاست‌مدار دوره قاجار، مبدع اولین طرح راه‌آهن سراسری و اولین پیش‌نویس قانون اساسی ایران است.

برآورد غیرعلمی و البته ناشیانه مستشارالدوله، عزیمت ماهانه چهار هزار زائر از مسیر تهران به مشهد را نشان می‌داد که در برخی ایام سال و به مناسبت روزهای خاص مذهبی یا دلایل اقلیمی، افزایش یا کاهش در آن به وجود می‌آمد.
● دلایل ۱۴۳ سال قبل احداث راه‌آهن مشهد مستشارالدوله برای رفع دغدغه ناصرالدین‌شاه، پیشنهاد تأسیس راه‌آنی را می‌دهد که از تهران تا مشهد امتداد دارد و علاوه بر آن، از شاه‌رود راه کج می‌کند و یک خط‌از آن به سوی بندر کز می‌رود؛ دقیقاً همین طرحی که بعدها در راه‌آهن سراسری اجرا و البته محل تلاقی در آن، شهر گومسار تعیین شد و نه شاه‌رود.
او برای توجیه طرح، افزون بر محاسبات هزینه و درآمد، ۱۸ دلیل ذکر می‌کند که برخی از آن‌ها جالب است و نشان می‌دهد که نوع نگاه آن زمان به صنعت حمل‌ونقل، چه جنسی داشته است: «ترویج شعائر... که واسطه تسهیل در مسافرت زوار خواهد شد؛ تکثیر زراعت و فلاحت به واسطه صاحب بضاعت بودن رعایا و تحصیل اسباب کشت و زرع از خارجه / فروش رفتن محصولات ارضیه (زمینی) از حیوان از زحمت بارکشی / آبادی مملکت خراسان به قدر پنج شش مقابل (برابر) حالایی که استعداد تام و تمام دارد.» محاسبه دیگر مستشار الدوله که می‌تواند برای خوانندگان امروزی جذابیت داشته‌باشد، کم کردن زمان سفر از تهران به مشهد است؛ در آن زمان این سفر، ۲۸ روز طول می‌کشید که راه‌آهن، طبق برآورد مستشار الدوله، می‌توانست این زمان را به یک روز کاهش دهد.

● حمایت ملای مشهد از راه‌آهن نکته بسیار جالبی که در متن طرح مستشار الدوله وجود دارد، همراهی و همگامی علمای ارض اقدس

ماجرای این قرار است که سال ۱۲۵۸ یعنی در همان دوران کوتاهی که بازار خراب کردن برخی نمادهای ملی-ایرانی باب بوده، معاون عمرانی شهرداری وقت اصفهان که علاقه زیادی به این اثر داشته است، تصمیم می‌گیرد این مجسمه را از گزند تخریب حفظ کند. برای همین شبانه و با کمک افرادی (معلوم نشده چه کسانی بودند) شاه عباس برنزی را از جای اصلی بر می‌دارد و آن را در بیابان‌های اصفهان دفن می‌کند و تصمیم می‌گیرد، تا آرام شدن اوضاع، نشانی آن را به کسی ندهد. به این امید که پس از گرفتن مجوزهای لازم بتوانند آن را دوباره به جای اصلی‌اش بازگردانند. اما اجل امانش نمی‌دهد و او مدتی پس از این اتفاق می‌میرد و جای دفن مجسمه برای همیشه نامعلوم باقی می‌ماند. ایرج محمدی در مصاحبه‌ای در این باره می‌گوید: سال ۱۲۷۹ آقای جمشیدی، شهردار اصفهان، از من خواست که مجسمه‌ای دیگر برای آن میدان بسازم واسم مجسمه شاه‌عباس را ببرد، من پاسخ دادم که گویا همان زمان که مجسمه را دفن می‌کرده‌اند، معاون شهرداری اصفهان گفته بوده، زمانی که مجوز نصب مجسمه گرفته شود، نشانی محل نگهداری آن را خواهم داد. شهردار اصفهان همان روز پیگیر نام و نشانی آن فرد شد و به سراغش رفت تا بگوید مجوزهای لازم را صادر می‌کند، اما متوجه شدیم همان دوران فوت شده است.،

سرنوشت نامعلوم یک مجسمه مدفون

تصویری که می‌بینید، عکس دروازه شیراز اصفهان (اکنون میدان آزادی نام گرفته) در سال ۱۲۵۵ خورشیدی است با مجسمه شاه عباس اول سوار بر اسبش؛ مجسمه‌ای برنزی با هفت ونیم متر قد و ۵ تن وزن که «ایرج محمدی، آن رادر سال ۱۳۵ می‌سازد و عنوان سازنده بزرگ‌ترین مجسمه برنزی ایران را از آن خود می‌کند. برای این اثر اما سرنوشت عجیبی رقم می‌خورد؛ سرنوشتی که تا هنوز هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

فتوایران

روزی که کلاغ‌ها به مشهد آمدند!



به زمین ریختند در حالتی که بیرق ایران و انگلیس و سایر دول هم در همان نزدیکی در اهتزاز بود و به کلی رخ به آن طرف نکردند. اهالی از این واقعه و از این اقدام غریبه کلاغ‌ها متعجب شده، اگرچه برای دفاع از آن حرکات، اقدام شد ولی اثر نبخشید و سودمند واقع نگردید. «

*روز ترویه روز هشتم ماه ذی‌الحجه(روزی است که حجاج نیت حج تمتع کرده و از مکه به سمت ماحرکت می‌کند و صبح عرفه به جانب عرفات رهسپار می‌شوند. امام حسین^(ع) در سال ۶۱ قمری و در روز ترویه از مکه خارج شده و به سمت کوفه حرکت کرده است.

اخبار عجیب

خبری که در ادامه می‌خوانید روزنامه «چهره نما» با عنوان «اتفاق عجیبه در مشهد» به تاریخ ۲۳ آذر ۱۲۹۳ خورشیدی چاپ و منتشر کرده است. خبری که نشان می‌دهد، دسته بزرگی کلاغ وارد مشهد می‌شوند و به طرف کنسولگری روسیه حمله می‌کنند. اجتماع این کلاغ‌ها آن قدر زیاد بوده که مردم را می‌ترساند و برای تماشای اینکه چه خواهد شد، بالای پشت بام‌ها می‌کشانند: «واقعۀ عجیبه: روز هشتم ماه جاری که روز ترویه* بوده، واقعه غریبه‌ای پیش آمده که خیلی حیرت‌انگیز و شگفت‌آور است. از صبح تا بعد از ظهر روز مذکور، کلاغ‌های زیادی با صدای مهیبه در مسجد گوهرشاد جمع شده، بالای گنبد مسجد، برابر گنبد مطهر حضرت ثامن‌الائمه نشسته و از اطراف هم جمع می‌شدند تا اینکه با وضع غریبی مثل اینکه خصمی قوی آن‌ها را تعقیب کرده، حرکت کردند و مردم مشهد بالای‌ام بارفته، متعجبانه نگران بودند چه خواهد شد که آن کلاغ‌ها مجتعا (دسته جمعی) به طرف ارگ هجوم آورد، بیرق قونسولخانه دولت روس را که نشان عقاب داشت، با متقارهای خود پاره پاره کرده،

بنگه دنیا

اواخر سال ۱۹۱۷ میلادی و با طولانی شدن جنگ جهانی اول که به «جنگ بزرگ» معروف است، گرانی کالاها و کمبود مواد غذایی، کشورهای درگیر را با بحران شدید محصولات غذایی روبه‌رو کرد. یکی از این کشورها، فرانسه بود که مردمش در این روزگار دیگر توانایی سیر کردن شکم بچه‌هایشان را هم نداشتند. همین شد که دولت فرانسه تصمیم می‌گیرد در ابتدای امر، مواد غذایی را جیره‌بندی کند، در حالی که نرخ کالاهای اساسی مردم نیز تاده‌ها برابر افزایش پیدا کرده است. یکی از روزنامه‌های فرانسوی در همین دوران می‌نویسد: «نرخ شیر که کمتر از دو سال پیش، یک سانتیم بود، به سی سانتیم رسیده و بهای یک کیلو کره که دوفرانک ونیم بوده، حالا ۱۰ فرانک شده است. قیمت یک کیلو سبب‌زمینی را هم که ۲۰ سانتیم بوده است شهرنندان بیچاره باید هشتاد سانتیم بخرند و فاجعه آن است که قیمت ماهی که کیلویی ده سانتیم بوده به چهار فرانک (چهارصد سانتیم) افزایش پیدا کرده و قطعی و گرانی فرانسویان را به تپا‌های و مرگ کشانده است. قهوه، جای و روغن نایاب شده و گوشت و کره به زحمت پیدا می‌شود. بیشتر مغازه‌ها کاغذی بر روی در خود چسبانده و نوشته‌اند، شیر نداریم. کره نداریم. تخم مرغ نداریم. پنیر نداریم!» البته این وضعیت در روستاها که دامدار و تولیدکننده بودند، بهتر بوده لذا سبب هجوم شهری‌های



گرسنه به روستاها می‌شود. روستاییان نیز پس از این اتفاق دست به احتکار مواد غذایی می‌زنند، آن‌چنان که دولت فرانسه را ناگزیر به صدور بخشنامه‌هایی برای مبارزه با احتکاری می‌کند. تاریخ می‌گوید، ۷۴۷ بخشنامه صادر می‌شود، اما احتکار تمام نمی‌شود تا اینکه دولت تصمیم می‌گیرد در هر زمین حاصلخیزی که پیدا می‌شود، میوه و سبزی و غلات بکارد. مرور اخبار روزنامه‌های آن زمان نشان می‌دهد، دولت فرانسه باغچه، زمین‌های بایر در بیمارستان‌ها، مدارس و حتی کارخانه‌ها را به مزرعه تبدیل می‌کند تا مردمش را از گرسنگی نجات دهد. منبع: آرشیو مطبوعاتی مرکز اسناد آستان قدس رضوی



بنای سنگی اسپاخو

تماشای پارک ملی قرخود و گنیش، معبد اسپاخو



هادی دقیق

در مسیر جاده یجنورد به گلستان تقریباً در مکانی که رفته‌رفته پوشش گیاهی منطقه هم‌بیشتر می‌شود، سمت راست جاده مسیری فرعی است که به روستای اسپاخو می‌رسد. اسپاخو آخرین آبادی سمت راست این مسیر، پیش از رسیدن به جنگل گلستان است. تابلو روستا ما را به مسیری آسفالت هدایت می‌کند که مثل شکل یک علامت سؤال بزرگ، ابتدا مسیری مستقیم به سمت روستاست و سپس به‌صورت یک دایره بزرگ تاب می‌خورد و در آخرین قسمتش که تقریباً انتهای روستا و بلندترین بخش آن است، به بنایی سنگی می‌رسد. از ابتدای جاده اصلی هم اگر چشم تیز کنیم، عظمت بنای سنگی بر تپه‌ای طبیعی به چشم می‌آید، اما هم‌رنگ‌بودن مصالح سنگی بنا با محیط اطراف، دقت بیشتری می‌خواهد. این بنای سنگی شگفت‌انگیز که بومی‌ها آن را به نام کلیسا و گاه آتشکده می‌شناسند، در روزهای ابتدای بهمن ۱۳۵۶ ثبت ملی شده است.

- همسایگی پارک ملی قرخود و گلستان

البته از طبیعت منطقه نیز نباید غافل شد. پوشش گیاهی کم‌نظیری که در پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده قرخود است، هر چند پراکنده و کم‌حجم، پر است از درختان کاج، سرو، ارس، گون، زبان گنجشک و ... حتی جانوران پارک ملی قرخود نیز به واسطه همین تنوع اقلیمی، از گوناگونی خاصی برخوردارند و در هر گردش‌ی در منطقه می‌توان برخی از آن‌ها را دید. اسپاخو نیز بخشی از این شگفتی بی‌منت‌های پارک ملی قرخود است که در همسایگی پارک ملی گلستان، طبیعت‌دوستان را به دیدن چشم‌اندازش وسوسه می‌کند.

- معماری سنگی در شمالی‌ترین بخش خراسان شمالی

مسیر سنگ‌فرش شده روستای اسپاخو را که طی کنیم، در حاشیه آن و جایی که پر از باغ است و آب قنات از کنار باغ‌ها عبور می‌کند، بنایی سنگی را می‌بینیم که روی تپه‌ای طبیعی ساخته شده است که در اولین نگاه، میهمانش را به یاد بناهای سنگی دوره ساسانی می‌اندازد. ویژگی‌هایی مثل عظمت بنا، مصالح لاشه‌سنگ، ملاط ساروج، طاق هلالی و گنبد نصفه‌نیمه‌اش، هر عاقله‌مند تاریخی را پیش از ورود به بنا به یاد آتشکده‌های ساسانی می‌اندازد. از معماری معکب خوش‌تناسب و گنبدروی آن اما می‌شود فهمید که پیشینیان به سیاق بناهای سنگی زاره‌ور و نیاسر و... بنایی ساخته‌اند که محل نگهداری آتش بوده، چه اینکه روزنه‌هایی هم روی گنبد و دیوارها به احتمال زیاد برای خروج دود تعبیه شده است که برخی شاخص‌های دیگر معماری دوره ساسانی هم آن را تأیید می‌کند. چنین معماری پرکاربردی البته پس از دوره اوج معماری ساسانیان نیز در دوره‌های مختلف اسلامی رشد کرد و با مصالح و تزیینات دیگر رونقی دوچندان یافت، اما حس سوارشدن این همه لاشه‌سنگ روی هم، بناهای سنگی باستانی را خاص می‌کند، سنگ‌هایی که پس از سال‌ها هنوز روی سنگ بند شده‌اند و مقاوم‌اند.

پلان بنای سنگی اسپاخو مستطیل است و ایوان ورودی اصلی آن از طریق دالانی، از شرق تالار مرکزی به آن می‌رسد؛ ایوانی که اگر زیرش بایستیم، شکوهش را بیشتر به مخاطب تحمیل می‌کند. طاق نیم‌استوانه این ایوان نیز به یادگارهای ساسانی مثل ایوان مدائن می‌مانند. در تالار مرکزی، سنگ‌های زمخت دیوارها در دوطرف شمالی و جنوبی، تالار را با طاقی هلالی به بیرون مرتبط می‌کنند و در مجموع، سه ورودی برای فضای تالار مرکزی فراهم می‌کنند. ویژگی این دو ورودی، شکل آن‌هاست که از یک طاق هلالی و دو پایه‌طاق تشکیل‌نده که شبیه کلید است. این سبک طاق‌سازی نیز در تخت‌سلیمان و در بنای اصلی دوره ساسانی آن دیده شده است، اما یکی از زیبایی‌های این تالار، چشم‌انداز طاق جنوبی به‌سوی دشتی است که از آن ارتفاع، همه‌چیز را در میان دشت کوچک نشان می‌دهد. آسمانه این تالار را هم گنبدی می‌پوشاند که یادآور گنبد‌های آتشکده‌های ساسانی است، همان سقف‌های نیم‌کره و گود با تالاشی که در گوشه‌سازی‌های زیر آن برای تبدیل کردن پلان چهارگوش به دایره گنبد شده است.

در ضلع غربی تالار نیز فضایی شبیه محراب است که با طاقچه‌های تزیینی اطرافش خودنمایی می‌کند. متأسفانه در این دیوار که ظاهرش آن را مهم می‌کند، اکنون هیچ عنصر تزیینی باقی نمانده و هرچه هست، تالار شکوید است و ملاط ساروج، البته در جاهایی از این تالار، برجستگی‌های پراکنده‌ای از اندود گچ و ملاط ساروج به چشم می‌خورد که گمان تزیینات داشتن بنا را تقویت می‌کند.

- اطراف بنا چه خبر است؟

روی تپه‌های اطراف این بنای سنگی نیز قبرستانی است که دفن مردگان در آن با شکل تدفین مسلمانان متفاوت است. این قبرها به‌صورت خانوادگی است و هر کدام از آن‌ها با گچ و ساروج به‌شکل معکب مستطیل با سنگ‌های چهارگوش نامنظم ساخته شده‌اند و اطراف آن‌ها حصارکشی شده است. سنگ‌های بزرگی که برای حصار استفاده شده است، نشان می‌دهد که برای برپایی آن‌ها از نیروی انسانی چشمگیری استفاده شده است و احتمالاً با بنای سنگی اسپاخو در پیوند بوده و به نوعی آیین مذهبی متعلق بوده است. گرچه در شرق روستای اسپاخو نیز تپه‌ای از دوره اسلامی به‌نام گل‌سرخانه و متعلق به قرن پنجم تا هفتم قمری و بقایای یک حمام احتمالاً صفوی وجود دارد که نشانگر پیشینه سکونت در دوره‌های مختلف تاریخی در این منطقه خوش‌آب‌وهواست.

طبق گزارش ثبت در میراث فرهنگی بنا، در دوره‌های مختلف خسارت‌های عجیب به بنا وارد شده است، مثلاً در ناامنی‌های دوره قاجار، بر ام این بنای سنگی سنگر ساخته بودند و از بخشی از مصالح بنام نیز برای این هدف استفاده کرده‌اند یا اینکه زمانی به‌طور آمازماده‌بودن بنا در اطرافش مردگانی دفن کرده‌اند، اما اکنون این بنای بدون حریم، نسبتاً استوار است و دیدنش برای مسافران جاده یجنورد به گلستان خالی از لطف نیست.

